

گزارش

برخی شرکت‌های هواپیمایی به بهانه تحریم و بدون اطلاع‌رسانی قبلی، مسافران را با تأخیر طولانی پرواز در فرودگاه‌ها معطل می‌کنند

بی‌انضباطی پروازی

پنجشنبه صبح ساعت ۱۰ مسافران پرواز تهران_مشهد هواپیمایی تابان کلافه و سرگردان در سالن فرودگاه مهرآباد قدم می‌زنند؛ ساعت پرواز در تابلوی اعلان فرودگاه ۱۱:۰۱ اعلام شده اما در بلیت فروخته‌شده از سوی شرکت هواپیمایی ساعت پرواز ۱۰ صبح نوشته شده است. پرواز با کمی تأخیر ۱۱:۴۵ انجام می‌شود. بسیاری از مسافران به دفتر هواپیمایی تابان اعتراض دارند، اما پاسخ‌گویی دقیقی وجود ندارد. یکی ماجرا را کردن آژانس‌های مسافرتی و چارتر بلیت می‌اندازد. دیگری می‌گوید تأخیر پرواز اتفاق عجیبی نیست؛ و اپراتوری با گفتن «نمی‌دانم» خود را از پاسخ‌گویی معاف می‌کند. اما مسافران این پرواز فقط یک خواسته منطقی دارند؛ اینکه چرا ساعت درج‌شده روی بلیت با اعلان فرودگاه مطابقت ندارد و آنان را سرگردان کرده است. اینکه چرا ایرلاین تابان برای وقت و زمان مسافران ارزش قائل نیست؟

به جز این بی‌انضباطی عجیب ظاهرا اخیرا گزارش تأخیر ماهانه پرواز

شرکت‌های هواپیمایی هم سانسور شده است و تنها گزارش‌های پراکنده‌ای وجود دارد. اما در همان گزارش‌های پراکنده هم ایرلاین تابان بارها صدرنشین

تأخیر در پروازهاست؛ به‌طوری که گاهی حدود نیمی از پروازهای این ایرلاین با

تأخیر انجام می‌شود و میانگین تأخیر پروازهای آن گاهی به بیشتر از یک ساعت

می‌رسد.

سازمان هواپیمایی کشوری در مواجهه با شکایت مسافران از بی‌نظمی پروازهای تابان توضیح می‌دهد که آنها می‌توانند شکایت خود را در سامانه حقوق مسافر این سازمان درج کنند. اساف مطابق با قوانین این سامانه، برای این دست از بی‌نظمی‌ها قانون خاصی وجود ندارد و سازمان هواپیمایی برای پروازهایی که بیشتر از سه ساعت تأخیر دارند، ایرلاین را موظف به تهیه بلیت جدید و پرداخت خسارت به مسافر می‌کند و اطلاع به مسافر، در قبال تأخیر پرواز هم به‌عنوان یکی از گزینه‌هایی است که مسافر می‌تواند از ایرلاین‌ها بابت کوتاهی در اطلاع‌رسانی شکایت کند.

بااین‌حال، زمانی که پای رسانه و خبرنگار به ماجرای تأخیر و بی‌انضباطی پروازها باز می‌شود، شرکت‌های هواپیمایی پای تحریم را وسط می‌کشند؛ اینکه تحریم طولانی کمر صنعت هوایی را شکسته است و ناوگان فرسوده و بهره‌وری پایین این ناوگان دلیل اصلی تأخیرهای پرواز است.

اما در همین شرایط تحریم هم عملکرد شرکت‌های هواپیمایی با یکدیگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد و برخی ایرلاین‌ها با حداکثر انضباط ممکن پروازهای خود را انجام داده و درصد تأخیر پروازهای آنها به زیر ۱۰ درصد کل پروازها می‌رسد و میانگین تأخیر پرواز هم درخور توجه نیست و هرچند تحریم تأثیری انکارنشدنی بر صنعت هوایی کشور گذاشته است، ولی به نظر می‌رسد برخی ایرلاین‌ها با سوءاستفاده از این موضوع، به راحتی حقوق مسافران را نادیده می‌گیرند.

آبان سال ۱۴۰۱ محمدرضا رضایی‌کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس یازدهم، به ایلنا گفته بود: «برخی از شرکت‌های هواپیمایی فقط با دو فروند هواپما فعال هستند و هواپیمای فعالی در ناوگان ندارند و درحال‌حاضر ناوگان هوایی کشورمان شرایط خوبی ندارد و نمی‌تواند تقاضای موجود را پاسخ دهد». هواپیماهای فرسوده و شمار بالای هواپیماهای زمین‌گیر، سن بالای هواپیماهای عملیاتی و نقص فنی مداوم، بهره‌وری این صنعت را به‌شدت کاهش داده است.

بر اساس آمار سازمان هواپیمایی کشوری، میانگین سن هواپیماهای عملیاتی بین ۲۶ تا ۲۷ سال اعلام شده است. این در حالی است که هواپیماهای فرسوده‌تری در خطوط عملیاتی فعال هستند که قدمت آنها به نسل دوم هواپیماهای تجاری برمی‌گردد. استفاده از هواپیماهای منسوخ در خطوط هوایی ایران در شرایطی است که در بازار هوایی جهان، هواپیماهای نسل چهارم وارد شده و بسیاری از ایرلاین‌های منطقه ناوگان خود را با پیشرفته‌ترین هواپیماهای مسافبری به‌روزرسانی کرده‌اند.

علیرضا منطری، معاون سابق سازمان هواپیمایی، پیش از این به «شرق» گفته بود که سن بالای هواپیماهای عملیاتی کشور باعث کاهش شدید بهره‌وری در صنعت هوایی شده است و بسیاری از هواپیماهای موجود، توان پرواز بیشتر از دو نوبت در روز را ندارند و همین مسئله سبب شده است عرضه بلیت از تقاضا عقب بیفتد و بهره‌وری پایین از یک سمت باعث ضرر و زیان گسترده به شرکت‌های هواپیمایی شود و از سوی دیگر مصرف‌کننده و مسافر از تأخیر زیاد هواپیما و قیمت بالای بلیت ناشی از کمبود عرضه و کاهش بهره‌وری ناراضی باشد. مسائلی که درواقع گویای شرایط وخیم ایرلاین‌های کشور است.

مهدی افشارنیک؛ دشت‌عباس هنوز می‌نالد، هنوز خرابی و ویرانی و آوار است که می‌آید. نفت آمده و جنگ رفته، اما آبادانی نیامده، حال خوب نیامده و زنان دهلران و عین‌خوش و چشمه‌خوش، تاروپود زندگی را با دلهره و دلخوری و دلواپسی و دل‌نگرانی گره می‌زنند. سؤال می‌کنند، سؤال می‌کنیم، شما هم سؤال کنید چرا جنگ رفت و نفت آمد، آبادانی و دل‌خوشی به دشت‌عباس، به دهلران به شوش به سوسنگرد به هویزه به آبادان به خرمشهر نیامد؟ اینان مگر مردمان نیستند؟ سؤال کنیم، سؤال کنید چرا دشت عباس هنوز می‌نالد، هنوز ویران است.

مرخصی‌های عجیب و نگران‌کننده

احسان رشیدی، دکترای مکانیک، مرخصی بدون حقوق گرفته و رفته اروپا. این یعنی رفته دنبال کار و یک نیروی متخصص دیگر را شرکت نفت از دست داده است. اینها را محمود نصیری می‌گوید، مدیرعامل شرکت نفت غرب. ما می‌خواستیم از نصیری و نفتی‌ها بپرسیم که چرا نداری و فقر سختی و معیشت در منطقه بیداد می‌کند و تولید ۱۶۰ هزار بشکه‌ای نفت از چشمه‌خوش، برای مردم رونق و روغن نداشته است، که با روایتی عجیب‌تر مواجه شدیم، نفتی‌ها خود از وضع زندگی و معیشتشان نالان و شدیداً دلخورند. نمونه‌اش مهاجرت احسان رشیدی است که گویا در حال اپدیمی‌شدن است. نه مردم از نفت راضی هستند و نه نفتی‌ها از نفت. چه بن‌بست عجیبی!

عقربه‌های ساعت اینچاقفل شده‌اند

اگر یک ساعت از دزفول به سمت دهلران برانید و بعد هم به سمت دشت‌عباس… به منطقه نفتی چشمه‌خوش و ماله‌کوه می‌رسید که روزانه ۱۶۰ هزار بشکه در مجموع، نفت تولید می‌کند. از چندین میدان نفتی. میادینی مثل آبان و دالپری و پایدار شرق و پایدار غرب. و اما پایدار غرب که جاده‌اش از چشمه‌خوش تا پایدار، درس پایدارای است. نواری موازی نوار مرزی و خاکی که میان دو کشور ایران و عراق قسمت شده است، خاکی که زیر آن امروز نفت است و چهار دهه پیش‌روی آن جنگ بود، نفتی‌ها آمدند اسم‌های جنگی را نفتی کردند. اسمی از فکه و دشت‌عباس و فتح‌المبین و نفت‌شهر نیست. پایدار غرب و شرق، چشمه‌خوش و عین‌خوش اسم‌های نفتی است. اسم عوض کردند اما حال نه. ۴۰ سال است می‌گذرد و جاده چشمه‌خوش به پایدار هنوز غریب است، تردد تک و توک است و گویی عقربه‌های ساعت در اینجا قفل شده‌اند و زمان ایستاده منتظر «شیر صحراست». حسن آشناسان کجایی؟ کجایی برای صدام کری بخوانی که اگر مرد جنگی



گزارش میدانی «شرق» از کارکنان عملیاتی منطقه نفتی چشمه‌خوش و دهلران که در شرایط سخت و با دستمزد ناکافی کار می‌کنند

گزارش میدانی «شرق» از کارکنان عملیاتی منطقه نفتی چشمه‌خوش و دهلران که در شرایط سخت و با دستمزد ناکافی کار می‌کنند

روزگار غریب نفتی‌ها

بیا در دشت‌عباس، کجایی که با ژنرال عبدالحمید عراقی شاخ به شاخ شوی و زمینش بزنی… دشت‌عباس به تو گفت «شیر صحر» و هنوز چشم‌به‌راه توست، ژنرال.

پل‌ها هنوز اینجا خراب می‌شوند

محمود نصیری می‌گوید «منطقه نفتی ما جایی است که ۹۰ درصدش جابه‌جا با خون شهدا متبرک شده است». از خدماتی می‌گوید که مواقع عاشورا و اربعین به زائران حسینی می‌دهند. مرزهای خسروی و مهران در محدوده آنهاست، بی‌تکلف است و از ماجرای ابتلایش به سرطان می‌گوید. ۲۶ سال سابقه دارد و عمری در عسلبویه بوده است و حاصل تنفس گوگرد، برایش شده بود سرطان که بهبود یافته است ولی به شدت از وضع خودش و همکاری‌اش با ماجرای سقف حقوق می‌نالد. اینان خود سربازان توسعه‌کشورند و از وضع خود شدیداً ناراضی هستند. تولید ۱۶۰ هزار بشکه نفت اول برای مردم دشت‌عباس و دهلران بی‌معنی بود الا برای خود نفتی‌ها هم بی‌معنی شده است. توسعه که نباشد هر چیزی از معنای خود خارج و قلب ماهیت می‌شود. فقر خرابی است، ویرانی است. تعارف نداریم. آدمیم تعارف کنیم که در مسیر چشمه‌خوش ما‌هانه رودخانه‌ای بود با آبی بارک و ضعیف که بر رویش پلی سنگی… آهنی برقرار بود، اما خراب شده بود. آب پل را برده بود، برگشتم نگاه کردم انگاری موشکی پل را خراب کرده بود. پل‌ها هنوز خراب می‌شوند. دیروز با موشک، امروز با سیل، بی‌معناشدن تولید ۱۶۰ هزار بشکه نفت را در همین خرابی پل می‌توان دید که کسی فکر تعمیر و مرمت و سرپاکردنش نبود. نفتی‌ها با ماشین‌هایشان از وسط رودخانه عبور می‌کردند و می‌رفتند.

درگیری با سقف حقوق، احوال امروز نفتی‌ها

نفتی‌ها امروز همه درگیر «سقف حقوق» هستند. این یعنی بر اساس قراردادشان و جدول‌های شایستگی باید مبلغی را ماهانه دریافت کنند. اما از یک سقف اگر عبور کند هرچه باید دریافت کنند حذف می‌شود. یعنی حق قانونی‌شان سلب می‌شود، با قانون و مثلا مصوبه. شاکي‌اند. بیشتر هم نیروهای عملیاتی از سکوها تا مناطق خشکی عملیاتی، از عسلبویه تا غرب کارون تا چشمه‌خوش. نصیری یک مدیرعامل دولتی است. تولید نفت غرب کشور مثل همین چشمه‌خوش دست است، اما از بی‌انگیزگی نیروهایش می‌گوید. از رفتن احسان رشیدی‌ها می‌گوید و سؤالی می‌پرسد: «نیروهای ما در این منطقه تقریباً سه هزار نفر هستند (رسمی و غیررسمی) دوستانی که در مجلس و شورای حقوق و دستمزد برای ما



گزارش میدانی «شرق» از کارکنان عملیاتی منطقه نفتی چشمه‌خوش و دهلران که در شرایط سخت و با دستمزد ناکافی کار می‌کنند

گزارش میدانی «شرق» از کارکنان عملیاتی منطقه نفتی چشمه‌خوش و دهلران که در شرایط سخت و با دستمزد ناکافی کار می‌کنند

روزگار غریب نفتی‌ها

نفتی‌ها سقف گذاشتند می‌دانند بی‌انگیزه‌شدن این سه هزار نیرو یعنی چه؟ بی‌انگیزه‌شدن نیروی عملیاتی در سکوها کاری می‌داندند یعنی چه؟ یعنی تولید ثروت و امنیت کشور دست کسی است که خودش از ما به دلیل تضییع حقوقش با مصوبه‌های عجیب و غریب، شاکي است.

او در ادامه می‌گوید: «دخترم از من می‌پرسد بابا سقف حقوق یعنی چه؟ وقتی کسورات فیش حقوق من را می‌بیند که دربرابر دریافتی‌ام حذفی دارم، می‌گوید سقف برای چه؟ راست می‌گوید دست‌کم اگر حقوق عملیاتی‌ها را درست نمی‌کنند، اسمش را درست کنند».

مسئله سقف حقوق حاصل پخت و پز برخی سیاسیون اصولگراست که از شرایط پیش‌آمده پس از حقوق‌های نجومی بهترین بهره را بردند و برای همه، به‌ویژه نفتی‌ها سقفی برای دریافتی ماهانه تعیین کردند، در صورتی که این نفتی‌ها نبودند که حقوق نجومی می‌گرفتند، آنها که می‌گرفتند کماکان می‌گیرند، این مصوبه فقط بدنه نفت را به‌شدت ناراضی کرد و از انگیزه و تاب و توان انداخت. کسانی چون مالک شرعیتی و حاجی بابایی این جریان را علیه نفتی‌ها پیش بردند. ناخواسته یاد حرف‌های وزیر ماهانه در ۲۸ مرداد سال ۸۶ افتادم که گفت: «شرایط امروز نفت مانند ارتش در سال ۵۷ است که خیلی‌ها می‌خواستند منحلش کنند. نفت هم امروز همان حال را دارد». ماهانه این حرف‌ها را ۱۷ سال پیش زده بود. اتفاقاً همان‌جا هم از این سخن می‌گوید که برای احمدی‌نژاد از حقوق بالای نفتی‌ها گفته است و از شرایط سخت کاری‌شان گفته و آن را با کشورهای عربی منطقه و دریافتی نیروهای عملیاتی آنها مقایسه کرده است. امروز که گزارش نصیری از وضعیت نیروها و رفتن احسان رشیدی‌ها را می‌شنویم از حرف‌های آینده‌گوی ماهانه چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟

هنوز شیر صحرارامی‌خواند

کمی آن سوتر از دشت‌عباس، تنگه ابوقریب است که همیشه در زمان جنگ محل برخورد و درگیری بود و یکی از آخرین هجوم‌های دشمن در واپسین روزهای جنگ از همین‌جا به کشور رخ داد که پس زده شد و دفع شد. لوله‌های نفتی در تنگه خوابیده بودند و نفت جابه‌جا می‌کردند، نفتی که مردم از آن شاکي هستند، نفتی‌ها هم خود دلخورند، چه کرده‌ای ای نفت؟ یا با تو چه کرده‌اند که همه‌جا ثروت و مکتن آوردی اینجا حریف نکبت نشدی؟

هنوز دشت‌عباس می‌نالد. هنوز شیر صحرارا می‌خواند. آشناسان را می‌خواهد. نصیری دیگر هیچ نمی‌گوید و بغضش را فرومی‌دهد و موبایل چک می‌کند که خبرهای افزایش قیمت دلار است و احتمال حمله اسرائیل به ایران.

تورم ۳۳/۶ درصدی در مهرماه



تورم ۳۳/۶ درصدی در مهرماه

قیمت، در مقایسه با ماه قبل است. در مهرماه ۱۴۰۳ تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲.۷ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، لبن ۲.۷ درصد افزایش، در مقایسه با ماه مشابه سال قبل ۳۱.۶ درصد افزایش و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۳۳.۶ درصد افزایش داشته است.

نرخ تورم سالانه خانوارهای کشور

منظور از نرخ تورم سالانه، درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، در مقایسه با دوره مشابه قبل از آن است.

در مهرماه ۱۴۰۳ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۳.۶ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۰.۶ واحد درصد کاهش یافته است.

همچنین نرخ تورم سالانه کشور در مهرماه ۱۴۰۳، برابر ۳۳.۶ درصد است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۳۰.۵ درصد برای دهک

اول، تا ۳۴.۱ درصد برای دهک‌های نهم و دهم است.

براساس این فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۳.۶ واحد درصد رسید که در مقایسه با ماه قبل (۴.۱) واحد

(درصد) ۰.۵ واحد درصد کاهش داشته است.

تورم ماهانه خانوارهای کشور

منظور از تورم ماهانه، درصد تغییر عدد شاخص

گزارش

حساب صرافی‌های رمزارز به دنبال صعود نرخ ارز موقتاً مسدود شد؛

دستورهای عجیب برای دلار

شرق: حساب صرافی‌های رمزارزی ناگهان مسدود شد و این موضوع اعتراض زیادی از سوی فعالان این بازار به دنبال داشت. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که با صعود قیمت دلار بانک مرکزی تصمیم گرفته حساب صرافی‌های رمزارزی را به طور موقت غیرفعال کند تا به گمان خود مانع از خروج ارز و افزایش تقاضای دلار شود. با این حال فعالان بازار رمراز می‌گویند که حجم معاملات روزانه این صرافی‌ها محدودیت دارد و کاربرها در نهایت بتوانند روزانه حدود ۳۵۰ دلار معامله کنند و این تقاضا آن‌قدر ناچیز است که با آن نشود صعود شتابان نرخ دلار را مهار کرد. برخی دیگر هم می‌گویند که این اقدام بانک مرکزی هیچ نتیجه‌ای ندارد جز اینکه معاملات رمزارز کشور را غیرشفاف کند و معامله‌گران دیگر در صرافی‌های رمرازز ایرانی خرید و فروش نمی‌کنند.

اکوایران نوشته است معاونت ارزی بانک مرکزی تصمیم به مسدودسازی موقت واریز و برداشت از حساب صرافی‌های رمزارزی و پرداخت‌یارها گرفته است.

شنیده‌ها حاکی از آن است که در جلسه ویژه‌ای که روز گذشته برگزار شد، این تصمیم گرفته شده و تعدادی از صرافی‌های رمزارزی هم این موضوع را تأیید کرده‌اند. بر اساس مصوبات این جلسه و با همکاری مرکز اطلاعات مالی و بر مبنای ماده ۴۲ قانون بانک مرکزی، مسدودسازی واریز به حساب صرافی‌ها و برداشت از آنها اجرائی شده است.

بر اساس ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور، خرید و فروش ارز و هرگونه عملیات بانکی که موجب انتقال ارز یا تعهد ارزی شود یا ورود یا خروج ارز یا پول رایج کشور بدون رعایت مقرراتی که بانک مرکزی ایران به موجب ماده ۱۱ این قانون مقرر می‌دارد ممنوع است. متخلفین به جزای نقدی تا معادل ۵۰ درصد مبلغ موضوع تخلف محکوم خواهند شد.

با این حال، این دسته از اقدامات عجیب پس از صعود قیمت طلا و دلار مسبوق به سابقه است. با شوک‌های ارزی، دولت‌ها گاهی تصمیم گرفته‌اند مانع از انتشار قیمت دلار در بازار آزاد شوند و رسانه‌ها و پلتفرم‌های آنلاین را مجبور به حذف قیمت دلار کرده‌اند، گاهی افزایش قیمت دلار منجر به ورود پلیس به بازار ارز شده است که نمونه عینی علم اقتصاد تبعیت کند تا بتوانند مانع از افت ارزش ریتال شوند و اقداماتی مانند بستن حساب صرافی‌های رمزارز یا ممانعت از انتشار قیمت‌ها و اعدام معامله‌گران و… ممکن است تأثیر کوتاه‌مدت داشته باشد اما در درازمدت حتما اثرگذار نیست و می‌تواند تبعات سوء داشته باشد. بنابراین سیاست‌گذاران اقتصادی راهی جز بازگشت به علم و دانش اقتصاد برای اداره اقتصاد کشور ندارند.